

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۴-۱۲۹

گزاره‌هایی بر «دو عید سنایی» در حدیقه الحقیقه

یحیی آتش‌زای - بهروز ایمانی

چکیده

یکی از ابیات قابل تأویل و تفسیر در حدیقه الحقیقه سنایی، بیت «صوفیان در دمی، دو عید کنند / عنکبوتان، مگس قدید کنند» است. وجود نمادها و استعاره‌های عرفانی در این بیت، همچون «دو عید صوفیان»، «عنکبوتان» و «مگس قدید کردن» سبب توجه ارباب معرفت به آن شده است و از روزگار سنایی تا دوره قاجار، چندین تفسیر و تعبیر راجع به آن از منظر عرفان و کلام نگاشته شده است. کهن‌ترین تأویلات مربوط به این بیت، از عین القضاة همدانی و جدیدترین آن، از کوشر همدانی (عارف دوره قاجار) است. در تفسیرهای موجود، اختلاف دیدگاه‌ها، بیشتر راجع به تعبیر «دو عید» است و اکثر گزارندگان، آن را به فنا و بقا تعبیر کرده‌اند. با توجه به این که دیوانکوهی، یکی از مفاهیم محوری در اشعار سنایی، به ویژه حدیقه الحقیقه و قصاید اوست و او دنیاپرستان را به جانوران و حیواناتی چون سگ، گربه، زاغ، مور، مگس، کرکس و عنکبوت مانند کرده است لذا گزارندگان بیت مذکور، تفسیر درستی از نمادهای «عنکبوت» و «مگس قدید کردن» عرضه کرده‌اند که عبارت از دنیاپرستان و مشغول بودن به تعلقات دنیوی و اغراض نفسانی است. در این مقاله، ضمن معرفی گزاره‌های تحقیق شده درباره این بیت، چهار گزاره دیگر نیز بررسی شده است.

؛ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران Y.atahzay@gmail.com

؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران imani_book@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ وصول ۹۳/۱۰/۲۷

واژه‌های کلیدی

سنایی، حدیقه الحقیقه، عید صوفیان، دو عید، متون عرفانی

مقدمه

سنایی، تکاپوهای شاعرانه را با تجربیات عارفانه خود به هم پیوست و با تلفیق این دو، زبان اشارت را در شعر عرفانی فارسی به تکلم درآورد و به ابداع الفاظ استعاری و نمادهای نو پرداخت. با نمادپردازی سنایی، استعارات عرفانی در شعر فارسی شکل گرفت (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۲۴) و با تجربه های شهودی شاعرانی عارف همچون مولوی، عطار، عراقی، حافظ و... مقبولیت، عمومیت و گسترش یافت.

سنایی، شاعری تمثیل‌گرا و نمادپرداز است. اوج استعاره آفرینی‌ها و نمادپردازی‌های او را در آفاق غزلیات قلندرانه اش (ر.ک. زرقانی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۱۹) و غنای تمثیل‌سازی‌هایش را در مثنویات او، به ویژه سیر العباد و حدیقه الحقیقه می‌توان دید.

حدیقه، دانشنامه ای از معارف الهی است که سنایی در آن، اندیشه‌های عرفانی، کلامی، حکمی و... خود را با استفاده از ظرفیت‌های مختلف بیانی و زبانی، به ویژه تمثیل، حکایت و نماد بیان کرده است.

سنایی در باب ششم حدیقه الحقیقه که دنیا دوستی را نکوهیده، بیتی سروده که بسیار مشهور است و ذهن بسیاری از نویسندگان خانقاهی را در تاریخ شعر فارسی به خود مشغول داشته است (همدانی، ۱۳۷۸: ۲۶۵):

عارفان در دمی، دو عید کنند عنکبوتان، مگس، قدید کنند^۱

(سنایی، ۱۳۷۴: ۳۶۹)

این بیت، از روزگار سنایی تا دوره قاجار، مورد توجه اصحاب معرفت و ارباب دانش و بیش از آن قرار گرفته است و تفسیرهای مختلفی از آن شده است. حتی در مجامع مشایخ فرارود، در حضور علی رامینی نقشبندی (کاشفی، ۱۳۵۶: ۱/ ۶۷-۶۶) تا مجالس صوفیان هند در محضر شیخ نظام‌الدین امیتهی (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۱۰۴۸) نیز درباره آن سخن رفته است.

ظاهراً نخستین بار، کلمات «عید» و «دو عید» را سنایی به حوزه عرفانی شعر فارسی وارد کرده

است و پس از او همین کلمات در همان مفاهیم اصطلاحی به کار رفته‌اند.^۲
وی علاوه بر حدیقه، در دیوان خود نیز همین اصطلاحات را آورده است:

از باده تو مستند، ای دوست این عزیزان رنج و عنای مستان اکنون کشید باید
سالی برفت ناگه، روزی «دو عید» دیدم این هر دو عید امروز، خوشتر ز عید باید
(سنایی، ۱۳۶۲: ۸۷۵)

مولوی نیز که عمیقاً متأثر از اندیشه‌های سنایی است - تا آنجا که عبداللطیف عباسی، مثنوی را تفسیر حدیقه دانسته است (عباسی، ۱۳۸۷: ۴/۱) - همین اصطلاحات را از او برگرفته، بارها در اشعار خود، مضمون بیت او را باز گفته است:

شما را «عید» در سالی دو بار است «دو صد عید» است هر دم کار ما را
(مولوی، ۱۳۶۳: ۱/۷۳)
سالی «دو عید» کردن، کار عوام باشد ما صوفیان جان را هر دم «دو عید» باشد
(مولوی، ۱۳۶۳: ۱/۱۷۸)

حتی در غزلی، بیت مورد نظر سنایی را تضمین کرده است:

صوفیان در دمی دو عید کنند عنکبوتان، مگس قدید کنند
شمع‌ها می‌زنند خورشیدند تا که ظلمات را شهید کنند
(مولوی، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۷)

۱. گزاره‌های بیت

بیت مذکور سنایی به دو صورت، گزارش شده است:

- گزاره مستقل: تنها گزاره مستقل این بیت، به قلم کوثر همدانی در دوره قاجار رقم خورده است.

- گزاره‌های اشاره‌ای: بیشترین گزاره‌ها به صورت اشاره از بیان و زبان عرفا یا شارحان حدیقه نقل شده است.

آنچه به بیت یاد شده ابعاد تأویلی داده است، نماد «دو عید» است که گزارندگان، بیشتر درباره آن بحث کرده‌اند و در تفسیر نمادهای عنکبوت و مگس، تقریباً همه تأویل‌ها همخوان است. نمادهای عنکبوت و مگس که سنایی از آن‌ها به عنوان تمثیل دنیادوستی و مال‌اندوزی بهره برده است، در

دوره‌های بعد توسط عطار نیز به کار گرفته شده است (عطار، ۱۳۸۳: ۳۳۰-۳۲۹). در اینجا گزاره‌هایی که پیش از این مقاله به طور مختصر به آن‌ها پرداخته شده است آورده می‌شود:

۱-۱- گزاره علی رامتینی نقشبندی

خواجه علی رامتینی، ملقب به «حضرت عزیزان» (جامی، ۱۳۷۵: ۳۸۵؛ بخاری، ۱۳۸۳: ۴۳)، از مشایخ نقشبندیه در سده ۸ ه. ق. (کاشفی، ۱۳۵۶: ۱۷۲/۱-۱۶۲)، در پاسخ یکی از مریدانش که درباره بیت سنایی توضیح خواسته بوده، «دو عید» سنایی را «سه عید» دانسته، در تفسیر آن گفته است: «یادکرد بنده میان دو یادکرد خداوند است. اول، بنده را توفیق دهد که یاد وی کند و چون یاد کند، به شرف قبول مشرف سازد؛ پس توفیق و یادکرد و قبول، سه عید باشد» (کاشفی، ۱۳۵۶: ۶۷/۱).

۱-۲- گزاره شمس‌الدین محمد لاهیجی نوربخشی (متخلص به اسیری)

لاهیجی از عرفا و شعرای نیمه دوم سده ۹ و نیمه نخست سده ۱۰ ه. ق. (درگذشته ۹۱۲ ه. ق.) است. وی «دو عید» را عبارت از «نیستی» و «هستی» در نظر عارف عاشق دانسته است؛ چه عید در اصطلاح «ما یعود علی القلب»^۳ است. عنکبوتان نیز در نظر او جماعتی‌اند که «به دام تعینات و تقیدات، مقید و گرفتارند» و مگس قدید کردن، یعنی این جماعت «وجودات موهومه عالم را باقی و ثابت و محقق می‌شمارند و از حقیقت حال غافلند که اشیاء را وجود حقیقی نیست» (لاهیجی، ۱۳۸۸: ۵۰۱).

۱-۳- گزاره عبداللطیف عباسی گجراتی (م: ۱۰۴۸ یا ۱۰۴۹ ه. ق.)

حدیقه سنایی بیشتر از ایران، مورد توجه ادبا و فضلالی شبه قاره قرار گرفته است و شروحنی چند به قلم چند تن از دانشوران این گستره کهن ادب پارسی، رقم خورده است از جمله شرح عبداللطیف عباسی (عباسی، ۱۳۸۷: ۳۸۷)؛ چهل و هفت، پنجاه و دو، شصت و دو، شرح احراری دهلوی، درگذشته ۱۰۷۳ ه. ق. (منزوی، ۱۳۸۲: ۵۴۲/۷؛ مارشال، ۱۳۸۹: ۵۸۰)، شرح علایی لاهوری (عباسی، ۱۳۸۹: بیست و شش-سی، نوشاهی، ۱۳۹۱: ۱۸۹۱/۳-۱۸۹۰) و بیان لغات حدیقه به نام مفتاح الحدیقه از مؤلفی ناشناخته (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۷/۹).

عبداللطیف عباسی علاوه بر مقابله و تصحیح حدیقه، به شرح و توضیح آن نیز در فاصله سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۳۸ ه. ق. پرداخته است و نام این شرح را لطائف الحقائق من نفائس الدقائق نهاده است (عباسی، ۱۳۸۷: ۱/۸؛ سنایی، ۱۳۸۲: پنجاه و دو-پنجاه و سه).

او در تفسیر و تعبیر بیت سنایی، ضمن اشاره به گفته‌های خواجه علی رامتینی در شرح بیت، سخن سنایی را کنایه از «پاس انفاس صوفیان صافی مشرف» دانسته است «که در عروج و نزول نفس، بی‌یار حق، دم نمی‌زنند» و استناد به این گفته سعدی در گلستان کرده است که: «در هر نفسی، دو نعمت موجود است، و بر هر نعمت، شکری واجب» (سعدی، ۱۳۷۴: ۴۹).

به نظر عبداللطیف، عنکبوتان با استناد به آیه کریمه «الَّذِي اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ بَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ» (عنکبوت، ۴۱)، کنایه از جمعیتی‌اند که دوستانی به جز خدا گرفته‌اند و گرد هستی و انانیت خود می‌تند و از غایت ضعف و سستی نفس، مگس قدید می‌کنند؛ یعنی به مطالب هیچ و پوچ دنیا که حکم مگس را دارد دل بسته‌اند اما صوفیان که دوستان خدایند، با قربانی کردن نفس حیوانی و انسانی خود، دو عید می‌کنند و قربانی، لازمه عید است (عباسی، ۱۳۸۷: ۴۵۸/۱).

۴-۱- گزاره قطب‌الدین اشکوری

محمد بن علی، مشهور به قطب‌الدین اشکوری، از عرفا و حکمای سده ۱۱ ه.ق. و مؤلف چندین اثر در علوم روایی، تفسیر، فقه، کلام، عرفان و... است (اشکوری، ۱۳۷۸: ۸۵/۱؛ اشکوری، ۱۳۸۰: بیست و یک - چهل و دو). یکی از مهم‌ترین آثار وی محبوب القلوب در تاریخ فلسفه است (اشکوری، ۱۳۷۸: مقدمه؛ اشکوری، ۱۳۸۰: پنجاه - پنجاه و شش). او در این اثر، ذیل شرح حال زینون اکبر و در توضیح گفتاری از این فیلسوف یونانی، راجع به فنای هیولا و صورت و بقای دائم عالم به حکمت و علم خداوند، به بیت سنایی: «عاشقان، هر دمی، دو عید کنند» استناد کرده، به تفسیر آن پرداخته است. اشکوری به مفهوم تجدد امثال یا خلق مدام، در تفسیر بیت سنایی موضوعیت داده است (همدانی، ۱۳۷۸: ۲۶۸) و چنین آورده است: «همیشه باری تعالی از حیثیت اسما و صفات در تجلی است بر اعیان عالم و چنان که بعضی از اسما مثل محیی و معز اقتضای وجود می‌کند، بعضی دیگر مانند ممیت و مذل مقتضای عدم است و مقتضای هر دو اسم، آن است که هم موجود گرداند و هم معدوم سازد و چون تعطیلی در تجلی جایز نیست، باید که در یک حال، ایجاد و اعدام با هم صورت گیرد و ایجاد و اعدام تازه رخ نماید و الا تحصیل، حاصل و تعطیل، لازم می‌آید» (اشکوری، ۱۳۸۰: ۳۷۵).

اشکوری نیز چون دیگران، عنکبوتان را به کسانی تعبیر کرده است که در زندان تعینات و

تقیدات، به توهماتى مقیدند که در ضعف و وهن به تار عنكبوت مى‌ماند. آن‌ها «چنین مى‌پندارند که وجود اشیا، مستمر و برقرار است و سرعت تجدد آن را درک نمى‌کنند و مراد به قدید کردن مگس، همین است» (اشکوری، ۱۳۷۸: ۳۴۵/۱).

۵-۱- گزاره کوثرعلی همدانی

کوثرعلی همدانی، از عرفای دوره قاجار (م. ۱۲۴۷ ه.ق.)، به طور مختصر درباره معنی شعر سنایی سخن گفته است؛ در حضور فتحعلی‌شاه قاجار، سخن از مفهوم بیت سنایی رفته است و او رساله‌ای در تفسیر آن نوشته است. به نظر او مراد از دو عید، دو مقام فنا و بقاست که سالک کامل صاحب سیر و عارف صاحب طرز را در طی سلوک، در هر آنی از آنات و حالی از حالات، به سبب اسمای جلالیه و جمالیه حرکت جوهریه به تجددات امثالیه اتفاق می‌افتد؛ پس فنای او عیدی و بقای او عیدی دیگر است. او عنكبوتان را «ارباب اعمی» می‌داند که مانند عنكبوت در پس پرده پندار، چشم به انتظار نشسته‌اند از عواید زواید و شواهد شاهد کور و همواره از مقام قرب و حضور دورند (همدانی، ۱۳۷۸: ۲۷۵-۲۷۲).

۲. چهار گزاره دیگر

آنچه ذکر شد، گزاره‌هایی بود که پیش از این، بدان‌ها پرداخته بودند و در این گفتار، با مستندات و توضیحات بیشتر معرفی شدند. علاوه بر این گزاره‌ها، چهار گزارش دیگر در تفسیر بیت سنایی یافت شد که در اینجا بازخوانی می‌شود.

۲-۱- گزاره عین‌القضات همدانی (۵۲۵-۴۹۲ ه.ق.)

ظاهراً عین‌القضات همدانی، نخستین مفسر و بازخوان بیت مزبور سنایی است. او در تمهیدات که مقارن ۵۲۵ ه.ق. تألیف کرده است (مایل هروی، ۱۳۷۴: ۴۹؛ عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۶)، ضمن ستایش محبان خدا که موصوف به ربوبیت و عبودیتند، بیت مشهور سنایی را با بیت دوم آن نقل کرده است و در کلمه‌ای چند، به تعبیر و توضیح آن پرداخته است:

صوفیان در دمى دو عید کنند	عنكبوتان، مگس قدید کنند
ما که از دست روح قوت خوریم	کی نمک‌سود عنكبوت خوریم

(سنایی، ۱۳۸۲: ۱۹۶)

«شربتی از «وَنَفَّخْتُ مِنْ رُوحِي» [حجر، ۳۹] خوردند و شربتی از «وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» [احزاب، ۷۲]. در این عالم، هیچ بالاتر و رفیع‌تر از عبودیت نیست» (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۲۷۵-۲۷۴).

چنان‌که می‌بینیم عین‌القضاة، از منظری عابدانه و عارفانه به موضوع بیت سنایی نگاه کرده است و تکوین آدمی با روح خدا را یک «عید» می‌داند و قبول بار امانت الهی را که عبارت از بندگی است، عیدی دیگر برای او می‌شمارد. هستی و عبودیت، دو عید و دو شادمانی برای عارفان است.

۲-۲- گزاره نجم‌الدین رازی

نجم‌الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴ ه.ق.) نیز در مرصاد العباد، به بیت مذکور سنایی استناد کرده است و آن را توضیح داده است. به نظر او عارفان در این بیت، آن بندگانی اند که از خودی خود خلاص یافته‌اند و به تصرفات جذبات، در عالم تصرف سیر دارند. او نماد «دو عید» را به «محو» و «ثبات» تعبیر نموده است که همان فنای عارف از خود و ماسوی الله و بقای او در ذات الوهیت است: «هر دم، صوفی فانی را وجودی نو می‌زاید و به تصرف جذبه، محو می‌شود و از آن محو، قدمی دیگر سیر می‌افتد در عالم الوهیت که «بمحو الله ما یشاء و یثبت» (رعد، ۳۹)؛ پس هر دم، محوی و اثباتی حاصل می‌شود که صوفی در آن دو عید می‌کند، یک عید از محو و دوم از اثبات» (نجم رازی، ۱۳۶۵: ۳۴۶).

۲-۳- گزاره امین‌الدین حاج بُلّه تبریزی

امین‌الدین ابوالقاسم حاجی تبریزی (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۳۰؛ رشیدالدین فضل‌الله، بی تا: برگ ۴۱)، از بزرگان تصوف، فقه و اصول و تفسیر در نیمه دوم سده ۷ و نیمه نخست سده ۸ و در گذشته ۷۲۰ ه.ق. است (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۶۷۸؛ از رساله طریقی الآخره). او را کلیدی برای شناخت مکتب صوفیانه تبریز در دوره مغول و ایلخانی دانسته‌اند (پورجوادی، ۱۳۸۰ الف: ۲۱۸-۲۱۷؛ حائری، ۱۳۸۰: ۴۶). آثاری چند از او به دست ما رسیده است (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۹۱-۲۹۰) که مهم‌ترین آن لطائف اللالی است (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۳۸).

این اثر، مشتمل بر فوایدی است که امین‌الدین در مجالس متفرق، املا و ابوالمجد تبریزی، آن را در سال ۷۲۲ ه.ق. تحریر کرده است (ر.ک. ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۳۸-۵۱۹). «امالی حاج بُلّه حاوی نکات و اطلاعات متعدد و ارزنده در ادب پارسی و تازی، تاریخ، کلام و فلسفه، عرفان و تصوف، فہلویات و... است» (حائری، ۱۳۸۰: ۴۶).

یکی از فواید لطائف اللآلی، درج سروده‌های پارسی در آن است. امین‌الدین در سطر به سطر به امالی خود، از اشعار پارسی‌گویان به ویژه شعرای آذربایجان (همچون نظامی، جمال‌الدین اشهری، علی‌کی شیبستری، نجم‌الدین زرکوب، جلال عتیقی، قطب‌الدین عتیقی، همام تبریزی، حاجی سعد تبریزی، مجیر بیلقانی و خاقانی) و سرایندگان خراسان (مانند عطار، رضی‌الدین نیشابوری، خیام، سنایی، خواجه نصیر طوسی و انوری) بهره جسته است.

سنایی از جمله سرایندگان است که امین‌الدین بسیار به وی توجه کرده است و در آثار خود از او یاد کرده، ابیات متعددی را از او آورده است. جایگاه سنایی در نظر او چنان است که حتی رساله علم و عقل خود را با ابیات آغازین حدیقه شروع کرده است (ر.ک. ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۷۱۳).

بیشترین توجه امین‌الدین در لطائف اللآلی (امالی)، به سروده‌های سنایی به ویژه حدیقه‌الحقیقه است. در واقع توجه امین‌الدین به اندیشه‌های عرفا و شعرای خراسان همچون سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، احمد غزالی و... حاکی از گرایش او به تصوف خراسان است و احتمالاً او نخستین شیخی است که در تبریز با تصوف عاشقانه احمد غزالی آشنا شده است و عقاید او را در مجالس خود مطرح کرده است (پورجوادی، ۱۳۸۰ ب: ۱۲۳).

امین‌الدین، تنها به درج سروده‌های سنایی در امالی خود، بسنده نکرده است بلکه به تأویل و تفسیر ابیاتی از حدیقه وی نیز پرداخته است و احتمالاً او و شیخ صفی‌الدین اردبیلی (اردبیلی، ۱۳۷۶: ۵۶۶-۵۶۵)، نخستین صوفیان آذربایجانند که بیت‌هایی از حدیقه را بازخوانده‌اند و گزارش کرده‌اند. از جمله ابیات حدیقه که امین‌الدین به تفسیر و توضیح آن‌ها پرداخته است، همین بیت معروف «صوفیان در دمی...» است.

به تأویل او، «دو عید» عبارت از «ترقی عارفان از جای خود» و «نزدیک‌تر شدن به مقصد» است و از این تعالی و تقرب است که دو شادی به دل ایشان می‌رسد. عنکبوتان نیز زاهدانند که اعمال خود را برای قیامت می‌نهند و منظور از «قدید کردن مگس»، همین نهادن اعمال برای قیامت است. «نمک‌سود عنکبوت» هم به تعبیر امین‌الدین، اعمال زاهدان است: «صوفیان در دمی دو عید کنند، یعنی عارفان را مقصدی است معین که هر دم از جای خود ترقی کنند، دو عید کرده باشند؛ یعنی دو فرح به دل ایشان رسیده باشد، یکی آن که از جای خود ترقی کرده باشند، دوم آن که به مقصد، نزدیک‌تر شده باشند و مراد به عنکبوت، زاهدانند؛ یعنی زاهدان، اعمال را جهت قیامت بنهند و مراد

به قدید کردن مگس این است. آن که از دست روح قوت خورد، مراد عارفانند چون نمک‌سود عنکبوت خورد که آن اعمال زهاد است» (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۲۱؛ از رساله لطائف اللالی).

۴-۲- گزاره نویسنده‌ای ناشناخته از سده ۸ ه.ق.

در مجموعه خطی شماره ۱۰۱۷ کتابخانه ملت استانبول (از مجموعه علی امیری) که به سال ۸۵۵ ه.ق. کتابت شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۴۸۷)، رساله‌ای بی‌نام از نویسنده‌ای ناشناخته رقم خورده است و در آن «اسرار عارفان محقق و اصطلاح ارباب سلوک، خاصه مرموزات فریدالدین عطار و مرموزات احوال قصه انبیا و شرح جوهر و عرض به طریق حکما»، در سه فصل گزارش شده است (شرح مرموزات سخنان عطار، ۱۳۷۸: ۴۲۳). در فصل نخست (بیان اسرار عارفان محقق و اصطلاح ارباب سلوک)، ابیاتی از سنایی از جمله بیت «صوفیان در دمی...» تفسیر شده است؛ نویسنده رساله، عنکبوتان را به «خلق» - البته عوام که گرفتار هوای نفسانی‌اند - و قدید کردن مگس را به «شاد بودن خلق در تحقق خواسته‌های نفسانی» تعبیر کرده است. او عید عارفان و به اصطلاح شادی «اهل دل» را «جانی و عقلی» و جدای از شادی «خلق» دانسته است که «طبیعی و نفسانی» است: «عارفان چنان حاضر بر نفس خویش باشند که در هر نفسی شادی کنند و عبارت از عید، شادی باشد و شادی اهل دل، نه چون شادی خلق باشد زیرا که شادی اهل دل، جانی و عقلی باشد و شادی خلق، طبیعی و نفسانی باشد و از شادی اهل دل، جان تازه شود و دل زنده گردد و از شادی خلق، دل بمیرد که رسول علیه‌السلام می‌فرماید که كَثُرَ الضَّحْكَ تَمِيتُ الْقَلْبَ»^۴ (شرح مرموزات سخنان عطار، ۱۳۷۸: ۴۲۶).

۳. تحلیل گزاره‌ها

سنایی شاعری با تأملات زهدگرایانه است و بدین حیث، دنیاجویی را مذموم می‌داند و دل‌بستگان به دنیا و تعلقات و تعینات آن را از هر صنف که باشند به شدت می‌نکوهد و می‌کوبد. در مقابل، آخرت طلبی را محبوب می‌شمارد و وارستگان از جهان را که عارفانند می‌ستاید. این موضوع را می‌توان در قصاید سنایی و حدیقه الحقیقه او، گاه به زبان اشارت و تمثیل و گاه به بیان صریح و روشن دریافت.

سنایی در بسیاری از ابیات حدیقه، دنیاپرستی و مصادیق آن را به باد انتقاد و سرزنش گرفته

است و دنیاطلبان را به جانوران و حیواناتی چون سگ و مگس و گربه و زاغ و عنکبوت و کرکس تشبیه کرده است که همواره در پی استخوان و خوان و لقمه و مردار و... هستند:

مگس و گربه، سوی خوان پویند سگ و زاغند کاستخوان جویند
هست بی قدر، دنیی غدار مر سگان راست این چنین مردار
(سنایی، ۱۳۷۴: ۱۱۱)

در برابر دنیا پرستان، وارستگان از تعلقات را می‌ستاید و آن‌ها را با عناوین نعت آمیز همچون عارف، مرد، شیر و... یاد می‌کند:

سگ دون همت، استخوان جویند پنجه شیر مغز جان بویند
مرد عالی همم نخواهد بند سگ بود سگ به لقمه ای خرسند
مور باشد همیشه در تک و تاز مرد باشد چو باز در پرواز
عارفان در دمی، دو عید کنند عنکبوتان، مگس قدید کنند
(سنایی، ۱۳۷۴: ۳۶۹)

شاعران دیگر نیز به تاسی از سنایی، دنیاطلبان را به عنکبوت و تعلقات دنیوی را به خرمگس و مگس تعبیر کرده اند:

اهل جهان عنکبوت، صید همه خرمگس هیچ از ایشان مگو، تام نگیرد ملال
(مولوی، ۱۳۶۳: ۱۵۵/۳)
تو همچو عنکبوتی و حال جهان مگس چون عنکبوت گرد مگس برتنیده گیر
(سعدی، ۱۳۸۹: ۷۹۷)
فغان زین عنکبوتان مگس گیر همه چون کرکسان در بند مردار
(عطار، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

با توجه به این که دنیانکوهی، یکی از مفاهیم محوری در اشعار سنایی است لذا همه گزارندگان بیت «عارفان در دمی...»، به این معنی پی برده اند و تأویلات درستی از نمادهای عنکبوت و مگس عرضه کرده اند.

چنان که پیش از این ذکر کردیم، در تفسیر اصطلاح «دو عید» میان گزارندگان، اندکی اختلاف است و بیشتر، آن را به «فنا» و «بقا»، «نیستی» و «هستی»، «ایجاد و اعدام در یک حال»، «محو» و

«اثبات» تأویل کرده اند که مفاهیم همخوانی هستند. عبداللطیف عباسی آن را «به قربانی کردن نفس حیوانی و انسانی» تعبیر کرده است که به مقام «فنا» اشاره دارد. امین الدین حاج بله، نماد «دو عید» را به «ترقی عارف از خود» و «نزدیک‌تر شدن به مقصد» گزارش کرده است که این گزاره نیز ناظر به فنا و بقای عارفانه است. عارف از خود و ما سوی الله می‌گذرد و به غایت مقصد که فانی شدن در ذات احدیت است نزدیک می‌شود و به خدا تقرب می‌جوید تا بقا یابد.

با توجه به گزاره‌های مذکور، می‌توان بیت سنایی را چنین تفسیر کرد: عارفان با تجرید از خود و تفرید از تعلقات و تعینات دنیوی، به مقامات فنا و بقا نایل می‌شوند و انبساط روحانی می‌یابند اما دنیا پرستان به مطالب بی ارزش دنیوی دل می‌بندند و به اغراض نفسانی مشغول می‌شوند و از رسیدن به درجات عالی معنوی و روحانی باز می‌مانند.

نتیجه

سنایی در حدیقه الحقیقه برای تبیین افکار عارفانه خود از نمادها و الفاظ استعاری استفاده کرده است که خود او آن‌ها را ساخته و پرداخته، برای نخستین بار وارد ادبیات عرفانی کرده است. یکی از ابیات قابل توجه حدیقه که از این نمادها و استعارات برخوردار است، بیت مورد بررسی است که چندین گزاره بر آن نوشته شده است و مرور آن‌ها می‌تواند در بازخوانی اندیشه‌های سنایی مؤثر باشد. بیشترین گزاره‌ها از سوی عرفا صورت گرفته است اما متکلمانی چون لاهیجی نیز به آن توجه داشته‌اند. تعبیر «دو عید»، اصطلاح قابل توجه در بیت سنایی است و در تفسیر آن اندکی اختلاف نظر وجود دارد. درباره تعبیرهای «عنکبوتان» و «مگس قدید کردن»، نظرات ارائه شده تقریباً یکسان است.

پی‌نوشت‌ها

۱- ضبط این بیت در حدیقه سنایی تصحیح مریم حسینی نیز که بر اساس کهن‌ترین نسخه موجود (دست‌نویس بغدادلی وهبی، مورخ ۵۵۲ ه.ق.) تصحیح شده است (سنایی، ۱۳۸۲: ۴۰۰ - ۴۰۱) و هشت) این چنین است اما در نسخه‌های متأخر و در بعضی از گزاره‌های آن، «صوفیان» به «عارفان» یا «عاشقان» تبدیل شده است.

۲- عرفا عید را تعبیر کرده‌اند به «آنچه از تجلی یا هنگام تجلی، به قلب باز گردد هر طور که باشد» (کاشانی، ۱۳۸۱: ۱۰۶) و این تجلی، می‌تواند جمالی باشد یا جلالی. برخی عید را به مقام «جمع» تعریف کرده‌اند (الفتی تبریزی، ۱۳۷۷: ۶۶) که وصال حق است (پوشنچی، ۱۳۷۴: ۱۴۵) و «عیدین» را به مقام «جمع الجمع» تفسیر نموده‌اند (مرآت عشاق، ۱۳۸۸: ۲۶۸). عارف با رهیدن از خود و رسیدن به حق که دستیابی به هستی حقیقی است، دو عید (شادمانی) می‌یابد (همدانی، ۱۳۷۸: ۲۶۶).

۳- مایل هروی این گزاره را به لاهیجی منسوب می‌داند (همدانی، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

۴- در مجموعه ای که این گزاره در آن تحریر شده است، جدیدترین اثر، گلشن راز شیخ محمود شبستری است که در ۷۱۰ ه.ق. سروده شده است (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۴۸۷) پس با این قرینه، گزاره مذکور در سده ۸ ه.ق. (احتمالاً نیمه نخست این سده) رقم خورده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابوالمجد تبریزی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۱). سفینه تبریز. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- اردبیلی، ابن‌بزاز. (۱۳۷۶). صفوه الصفا؛ در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: زریاب.
- ۴- اشکوری، قطب‌الدین محمد. (۱۳۷۸). محبوب القلوب. تصحیح ابراهیم الدیاجی و حامد صدقی. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- ۵- ----- . (۱۳۸۰). محبوب القلوب. ترجمه سید احمد اردکانی. تصحیح علی اوجبی. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۶- الفتی تبریزی، شرف‌الدین حسین. (۱۳۷۷). رشف الاحاط فی کشف الالفاظ. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
- ۷- بخاری، صلاح بن مبارک. (۱۳۸۳). انیس الطالبین و عده السالکین. تصحیح خلیل ابراهیم صاری اوغلی. به کوشش توفیق هـ سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۸- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۰ الف). اشراق و عرفان؛ مقاله‌ها و تفاسیر. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- ----- . (۱۳۸۰ ب). سخنان احمد غزالی از زبان حاجی بله، معارف، دوره ۱۸،

- شماره ۳ (پیاپی ۵۴)، ص.ص. ۱۲۸-۱۲۲.
- ۱۰- پوشنجی، نظام‌الدین تربتی. (۱۳۷۴). *قواعد العرفا و آداب الشعراء*. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: سروش.
- ۱۱- جامی، عبدالرحمان. (۱۳۷۵). *نفحات الانس من حضرات القدس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات.
- ۱۲- حائری، عبدالحسین. (۱۳۸۰). *سفینه تبریز، کتابخانه‌ای بین‌الدفتین*. نامه بهارستان، ش ۱، ص.ص. ۶۴-۴۱.
- ۱۳- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرستواره دستنوشته‌های ایران*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۵- رشیدالدین فضل‌الله. (بی تا). *التوضیحات الرشیدیة*. نسخه عکسی شماره ۷۴. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۶- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۵). *سنایی و سنت غزل عرفانی*. *شوریده‌ای در غزنه (اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی)*. به کوشش محمود فتوحی و علی اصغر محمدخانی. تهران: سخن.
- ۱۷- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۴). گلستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- ۱۸- ----- . (۱۳۸۹). *کلیات سعدی*. به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: ناهید.
- ۱۹- سنایی، محدود بن آدم. (۱۳۶۲). *دیوان*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- ۲۰- ----- . (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱- ----- . (۱۳۸۲). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*. تصحیح مریم حسینی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۲- شرح مرموزات سخنان عطار. (۱۳۷۸). *میراث اسلامی ایران*. به کوشش رسول جعفریان (۴۳۴/۸-۴۲۱). قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۲۳- عباسی، عبداللطیف. (۱۳۸۷). *لطایف الحدائق*. تصحیح محمدرضا یوسفی و محسن محمدی.

قم: آیین احمد.

- ۲۴- عطار، فرید الدین. (۱۳۸۳). *منطق الطیر*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۷). *الهی نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- ۲۶- عجلونی، اسماعیل بن محمد. (۲۰۰۰). *کشف الخفاء و مزیل الالباس*. تصحیح احمد القلاش. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۲۷- عین القضاة. (۱۳۷۷). *تمهیدات*. تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
- ۲۸- فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- ۲۹- کاشانی، عبدالرزاق. (۱۳۸۱). *اصطلاحات الصوفیه*. تصحیح مجید هادی‌زاده. تهران.
- ۳۰- کاشفی، فخرالدین علی. (۱۳۵۶). *رشحات عین الحیات*. تصحیح علی اصغر معینیان. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- ۳۱- کریمی، سعید. (۱۳۷۸). *حاج بله، امین الدین ابوالقاسم*. *دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل (۱۲/۲۹۱-۲۹۰). تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- ۳۲- لاهیجی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۸). *شرح بیته از سنایی*. *برد یقین (هفده رساله عرفانی)*. به کوشش محمود نجفی (۵۰۱). قم: آیت اشراق.
- ۳۳- لعلی بدخشی، لعل بیگ بن شاه قلی. (۱۳۷۶). *ثمرات القادس من شجرات الانس*. تصحیح سیدکمال حاج سید جوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۴- مارشال، دارانوسروانجی. (۱۳۸۹). *مغولان در هند؛ بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها*. ترجمه حسین برزگر کشتلی. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۳۵- مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۴). *خاصیت آیینگی؛ نقد حال، گزاره آرا و گزیده آثار فارسی عین القضاة همدانی*. تهران: نشر نی.
- ۳۶- *مرآت عشاق (اصطلاحات صوفیان)*. (۱۳۸۸). تصحیح مرضیه سلیمانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۷- منزوی، احمد. (۱۳۸۲). *فهرستواره کتاب‌های فارسی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۸- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *کلیات شمس تبریزی*. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر.

تهران: امیرکبیر.

۳۹- نجم رازی. (۱۳۶۵). *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد*. تصحیح محمدامین ریاحی. تهران:

علمی و فرهنگی.

۴۰- نوشاهی، عارف. (۱۳۹۱). *کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره*. تهران: مرکز

پژوهشی میراث مکتوب.

۴۱- همدانی، کوثرعلی. (۱۳۷۸). *عیدهای سنایی غزنوی*. برگ بی برگی، یادنامه استاد رضا مایل

هروی. به کوشش نجیب مایل هروی (۲۷۳-۲۶۸). تهران: طرح نو.

Archive of SID